

انوشیروان در اواخر سال ۵۲۶ق به جای شرف‌الدین ابوالقاسم علی بن طراد زنبی به وزارت المسترشد (خلافت: ۵۱۲-۵۲۹ق/۱۱۱۸-۱۱۲۵م) خلیفه عباسی رسید. اما در ربیع‌الاول ۵۲۸/زانیو ۱۱۳۴ برکنار شد (بنداری، ۱۶۲-۱۶۳؛ ابن قلاسی، ۲۳۷-۲۳۸؛ ابن جوزی، ۲۷۱/۱۷؛ ابن اثیر، ۶۸۲/۱۰). پس از خروج از بغداد در ۵۲۹ق به اسارت امرای هوادار داوود بن محمود، مدعی دیگر تاج و تخت سلاجقه درآمد (ابن جوزی، ۲۹۱/۱۷) و پس از رهایی به همدان رفت و وزارت سلطان مسعود را برعهده گرفت (نک: راوندی، ۲۲۴؛ حسینی، ۲۰۱).

پس از چندی، سلطان مسعود که منشأ آشتیگیهای امور را دیوان وزارت می‌پنداشت، او را در ۵۳۰ق/۱۱۳۶م از وزارت برکنار کرد (نک: بنداری، ۱۶۳، ۱۶۹). پس از این، انوشیروان به بغداد بازگشت و تا پایان عمر گوشه‌نشینی اختیار کرد (ابن اثیر، ۴۵/۱۱) و در همانجا درگذشت (ابن جوزی، ۳۳۴/۱۷؛ ابن اثیر، ۷۰/۱۱).

انوشیروان با شاعران و ادیبان و به ویژه با ابوالقاسم عبدالله بن ابی محمد حریری، صاحب مقامات معاشرت داشت و آنان را می‌نواخت (ابن خلکان، ۶۴/۴؛ صفدی، ۴۲۷/۹؛ هندوشاه، ۳۰۱). از مشهورترین شاعران ستایشگر انوشیروان می‌توان به حیص بیص (۱۰۶-۱۰۷/۱)، ۱۷۵-۱۷۸، جم) و ابوبکر ارجانی (نک: قمی، ۵۳؛ صفدی، ۴۲۸/۹) اشاره کرد.

انوشیروان کتاب مشهوری به زبان فارسی درباره شرح حال خود، دیوانسالاران و بخشی از تاریخ سلاجقه به نام *نفثة المصطور* تألیف کرد که نام آن در مآخذ، به صورت‌های گوناگون آمده است (مرزبان بن رستم، ۷/۱؛ هندوشاه، همانجا؛ ناصرالدین، ۷۸). عماد کاتب (د ۵۹۷ق) آن را با عنوان *نصرة الفترة و عصرة الفطرة* به عربی ترجمه و تکمیل کرد (بنداری، همانجا، نیز ۵۳-۵۷، ۱۶۱، ۱۶۰؛ نیز نک: استوری، ۲۵۵؛ ایرانیکا). اینک از اصل کتاب *نفثة المصطور* و ترجمه عماد کاتب نشانی در دست نیست و تنها تلخیصی از آن که به دست بنداری اصفهانی در ۶۲۳ق/۱۲۲۶م فراهم آمده، بر جای مانده است (برای تفصیل، نک: ه. د. بنداری).

*نفثة المصطور* انوشیروان را از نظر زمانی می‌توان نخستین تألیف درباره تاریخ سلاجقه به شمار آورد و از آنجا که مؤلف در مقام وزیر و دیوانسالار سلاجقه خود شاهد و ناظر بسیاری رویدادها بوده، جایگاهی خاص دارد. مؤلف مرزبان نامه، *نفثة المصطور* انوشیروان را در کنار کتابهایی چون *کلیله و دمنه*، *سندبادنامه*، *عتبة الکعبة* و ترجمه تاریخ یمنی، از آثار برجسته نشر پارسی برشمرد، و نیز در توصیفی از ویژگیهای این کتاب، سخن انوشیروان را «ایجازی از باب اعجاز» دانسته است (۷-۵/۱).

مآخذ: ابن اثیر، الکامل؛ ابن جوزی، عبدالرحمان، المنتظم؛ به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه؛ ابن خلکان، وفیات؛ ابن قلاسی، حمزه، ذیل تاریخ دمشق؛ به کوشش آمدرز، بیروت، ۱۹۰۸م؛ بنداری اصفهانی، فتح، زبدة النصرة، مختصر تاریخ آل سلجوق عمادالدین کاتب، بیروت،

ه. د. آق سقز (احمدیلی)، اما درگزینی نیز چندان نماند و در ۵۲۷ق که طغرل از سلطان مسعود شکست خورد، بر وزیر خشم گرفت و گفت او را به دار بیاویزند و چون ریسمان‌دار پاره شد، یکی از غلامان انوشتگین بدو حمله برد و به قتلش رسانید (حسینی، همانجا). به گفته ابن اثیر (۶۸۷/۱۰) چون طغرل راه ری در پیش گرفت، غلامان انوشتگین به وزیر تاختند و او را کشتند.

مآخذ: ابن اثیر، الکامل؛ جوینی، عظاملک، تاریخ جهانگشای، به کوشش محمد قزوینی، لیدن، ۱۹۳۷م؛ حافظ ابرو، مجمع‌التواریخ السلطانیه، به کوشش محمد مدرسی زنجانی، تهران ۱۳۶۴ش؛ حسینی، علی، زبدة التواریخ، به کوشش محمد نورالدین، بیروت، ۱۴۰۵ق؛ خواندمیر، غیاث‌الدین، حبیب‌السیر، به کوشش محمد دیرسیانی، تهران، ۱۳۵۳ش؛ رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ (قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و زنجاریان)، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرسی زنجانی، تهران، ۱۳۵۶ش؛ شرف، طه احمد، دولة الزناریه، قاهره، ۱۳۶۹ق؛ میرخواند، محمد، روضة الصفا، تهران، ۱۳۳۹ش.

انوشیروان بن خالد، ابونصر شرف‌الدین (۴۵۹-۵۳۲ یا ۵۳۳ق/۱۰۶۷-۱۱۳۸ یا ۱۱۳۹م)، دیوانسالار و وزیر شیعی سلجوقیان عراق و المسترشد خلیفه عباسی. او اصلاً از قریه فین کاشان بود (سمعانی، ۲۷۹/۱۰)، اما در ری زاده شد (صفدی، ۴۲۷/۹). سپس به بغداد رفت و به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. منابع تنها از یکی از استادان او در حدیث به نام ابومحمد عبدالله بن حسین کامخی ساوی نام برده‌اند (سمعانی، همانجا؛ ذهبی، ۱۶/۲۰).

انوشیروان ظاهراً در جوانی در دستگاه دیوانی خواجه نظام‌الملک دبیری آموخت (هندوشاه، ۲۶۹) و پس از قتل نظام‌الملک در ۴۸۵ق/۱۰۹۲م به فرزند وی مؤیدالملک پیوست و در سفر به ری (۴۸۸ق/۱۰۹۵م)، وی را همراهی کرد (نک: بنداری، ۸۴). او پس از قتل مؤیدالملک به دست برکیارق، به بصره رفت و مدت ۳ سال در آن دیار ماند (همو، ۸۷). چون سلطان محمد بن ملکشاه به تخت نشست (۴۹۹ق)، چندی مقام خزانه‌داری وی را در اصفهان بر عهده گرفت (همو، ۸۸، ۹۴)؛ سپس در وزارت ضیاءالملک احمد بن نظام‌الملک (۵۰۰-۵۰۴ق/۱۱۰۷-۱۱۱۰م) به ریاست دیوان عرّض منصوب شد (همو، ۹۷؛ نیز نک: هوتسما، ۱۶). وی در اواخر حیات سلطان محمد، بی‌آنکه عنوان وزارت داشته باشد، از سوی صاحب منصبان سلجوقی اداره امور را به دست گرفت (نک: بنداری، ۱۰۸-۱۰۹).

انوشیروان در آغاز وزارت شمس‌الملک عثمان بن نظام‌الملک (۵۱۵-۵۱۷ق) ریاست دیوان عرض را برعهده داشت؛ اما بر اثر سعایت دشمنانش در ۵۱۶ق/۱۱۲۲م به زندان افتاد (همو، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۲). پس از رهایی از زندان، چندی در اصفهان به سر بود و سپس راهی بغداد شد (همو، ۱۳۳-۱۳۴).

در ۵۲۱ق/۱۱۲۷م سلطان محمود، انوشیروان را به وزارت گماشت، اما به سبب ناتوانی در پیشبرد امور، ابوالقاسم درگزینی بر جای وی بر مسند وزارت نشست (نک: همو، ۱۳۹-۱۴۰؛ براون، II/361).